

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



<https://konkur.info>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۱)

رشته های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه



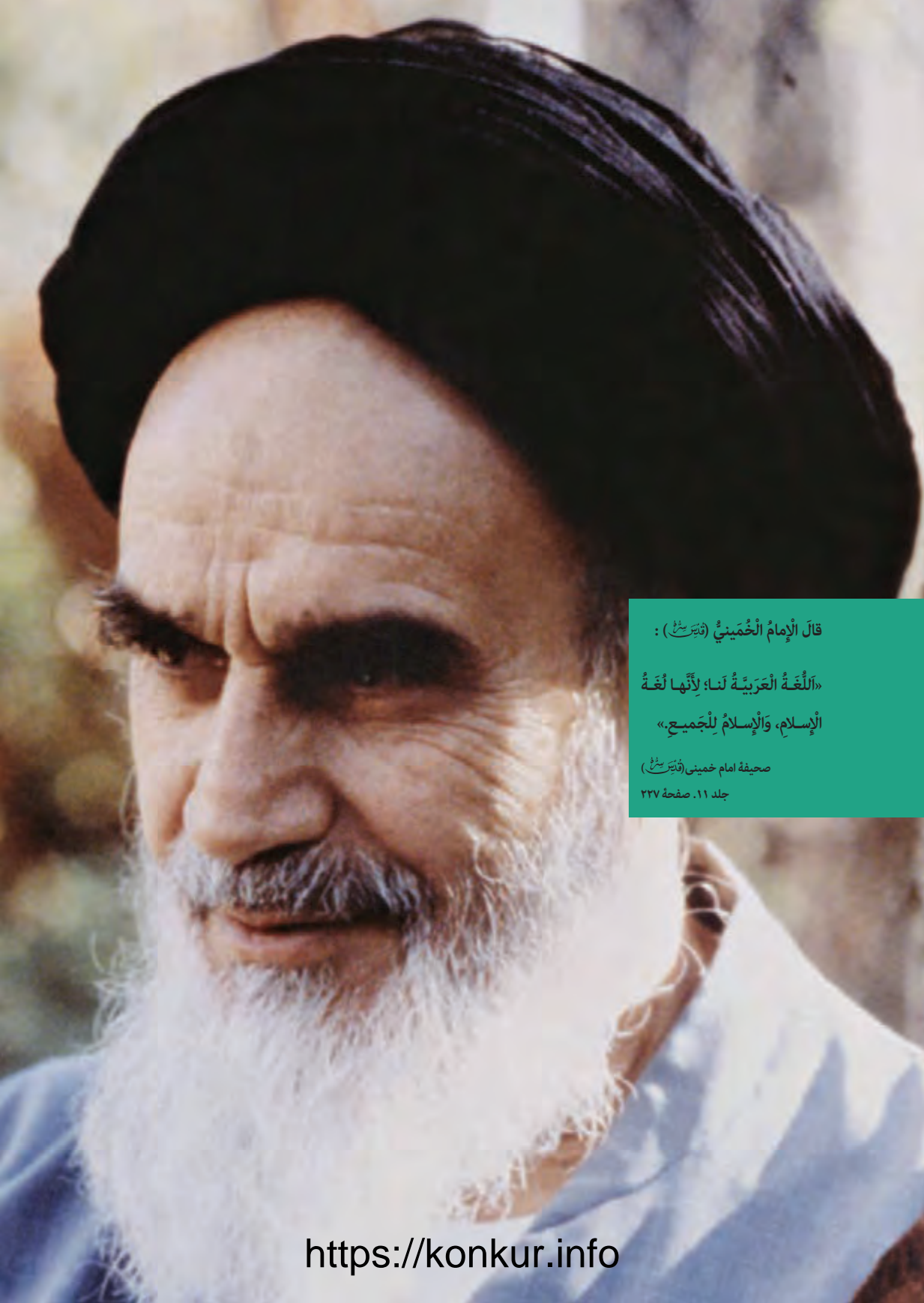
<https://konkur.info>



وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی، ابانر عباچی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکبوس (سرگروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح گرافیک، طراح جلد و صفحه‌آرا) - محمد مهدی ذبیحی فرد، مراد فتحی (تصویرگر) - علی نجمی، سیف‌الله بیک محمد دلپونند، فاطمه پزشکی، سپیده ملک ایزدی و ناهید خیام باشی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هشتم ۱۴۰۲

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۹۹-۲
ISBN: 978-964-05-2499-2



قال الإمام الخميني (قده س):

«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، والإسلام للجميع.»

صحيفة امام خميني (قده س)

جلد ١١، صفحة ٢٢٧

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِس

■ بيشگفتار | الف |

■ أَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ | ١ |

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ + التَّعَارُفُ-----

■ أَلدَّرْسُ الثَّانِي | ١٥ |

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجْفِ-----

■ أَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ | ٢٩ |

مَطَرُ السَّمَكِ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١) + فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ-----

■ أَلدَّرْسُ الرَّابِعُ | ٤٧ |

التَّعَايُشُ السُّلْمِيُّ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (٢) + فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ-----

■ أَلدَّرْسُ الْخَامِسُ | ٦٣ |

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَ الْاسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ-----

■ أَلدَّرْسُ السَّادِسُ | ٧٩ |

ذَوَالْقَرْنَيْنِ + أَلْفِعْلُ الْمَجْهُوْلُ + مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِيقْبَالِ الْفُنْدُقِ-----

■ أَلدَّرْسُ السَّابِعُ | ٩١ |

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ + أَلْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ وَ نَوْنُ الْوَقَابَةِ + مَعَ مُشْرِفِ

خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ-----

■ أَلدَّرْسُ الثَّمَانُ | ١٠٧ |

صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ +

شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ-----

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد؛

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛

۳. کتاب معلم را با دقت کافی مطالعه و بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی، زبان قرآن (۱)» ویژه پایه دهم رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم تجربی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است به استناد برنامه درسی ملی؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.

۱. کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. این مقدار زمان در مجموع برای تدریس کل کتاب در طول سال کفایت می‌کند.

۲. دانش‌آموز پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخی العزیز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است.
در ساعت‌خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۳. درس اول دورهٔ آموخته‌های پیشین است و در هفت درس دیگر نیز این مرور انجام شده است.

۴. در درس دوم عددها آموزش داده می‌شود. در دورهٔ اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده شده است. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵. دانش‌آموزان در دورهٔ اول متوسطه با فعل‌های مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند و در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید، مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَنْ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَرَ، زَادَ و ... هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شوند که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب و صیغهٔ فعل از اهداف آموزشی نیست. **فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیدهٔ صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل «استفاد» به کار رفته و فعل استفعال نیز آموزش داده شده است؛ از فعل اِسْتَفَادَ سؤال طرح نمی‌شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَفَادَتَ را در جمله بخوایم، اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَفَادَ ندارد.**

۶. در درس پنجم جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف نیست. کتاب کاملاً حرکت‌گذاری شده است تا دانش‌آموز با خواندن متون و عبارات ذوق پیدا کند و به تدریج با اعراب کلمات آشنا شود.

۷. در درس ششم فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جملهٔ دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۸. در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله درست تشخیص داده و ترجمه کند.

۹. در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌شود. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق و ساختن اسم مشتق از فعل ارائه شده هدف کتاب نیست.

۱۰. نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۱. پژوهش‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۱۲. تحلیل صرفی و اعراب، تعریب، تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطهٔ اول بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، اَنْتَ، اَنْتُمَا، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتُمَا، اَنْتُنَّ، اَنَا، نَحْنُ». شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۵. معنای کلمات در امتحان در جمله خواسته می‌شود.

۱۶. در بخش أنوار القرآن فقط معنای کلماتی مد نظر است که به شکل «جای خالی»، «زیرخط‌دار» یا «دو گزینه‌ای» طراحی شده است. به عبارت دیگر معنای سایر کلمات، هدف نیست. ضمناً این بخش برای کار در منزل است و دبیر فقط در صورت داشتن وقت می‌تواند در کلاس کار کند؛ اما در هر حال در امتحان از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۷. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۸. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۹. از طریق وبگاه دفتر تألیف می‌توان با نحوه تهیه کتاب معلم، بارم‌بندی و نمونه سؤال استاندارد آشنا شد. همچنین در شبکه ملی مدارس (رشد) اطلاعات سودمند بسیاری را می‌توان به دست آورد.

۲۰. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم متوسطه آمده‌اند.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعاست؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی کامل، پرمعنا و قوی است؛ ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. **ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست** و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خودبه‌خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

در صفحه ورودی هر درس، با استفاده از رمزینه‌خوان می‌توانید به «کتاب گویا» و «فیلم آموزشی» آن درس دسترسی پیدا کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الْآنَعَام: ١

ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و

تاریکیها و روشنائی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرْ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَهُ
كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ
فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي
ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَهُ^١
وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَهُ



وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي
فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا
جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَهُ
حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ
فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَهُ



ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي
ذُو حِكْمَةٍ بِالِغَةِ
وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَهُ
أَنْعُمُهُ مِنْهُمْ مِرَهُ

١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَالِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمُّ تُرْكَمَانِيَّةٌ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ
وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ
أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرِهِ



وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ
أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

المعجم: واژه‌نامه

بگو	قُلْ	دارای	ذات	ستارگان «مفرد: نَجْمٌ»	أَنْجُمٍ
فروزان	مُسْتَعْرَةٌ	آن	ذَاكَ	نازل کرد	أَنْزَلَ
ریزان	مُنْهَمِرَةٌ	دارای	ذو	نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»	أَنْعَمَ
تر و تازه	نَضْرَةٌ	زینت داد	زَانَ	پدید آورد	أَوْجَدَ
رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»	نَمَتْ	اخگر (پاره آتش)	شَرَرَةٌ	کامل	بَالِغٍ
در می آورد	يُخْرِجُ	روشنایی	ضياء	پاره آتش	جَذْوَةٌ
		شاخه‌ها «مفرد: عُصْنٌ»	عُصُونٌ	مرواریدها «مفرد: دُرٌّ»	دُرَّرٌ
		ابر	عِيمٌ	این ← هَذَا مَنْ ذَا: «این کیست؟»	ذَا

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار

(التعازف^۱ في مطار النجف الأشرف)

زائر مرقد أمير المؤمنين عليّ عليه السلام	أحد الموظفين في قاعة المطار ^۲
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النُّورِ وَالسُّرُورِ.
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟
بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ حَتَّى الْآنَ؟	لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ ^۳ .
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّفَّاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.



۴- أَنْ أُسَافِرَ: كه سفر کنم

۳- مَطَار: فرودگاه

۲- قَاعَة: سالن

۱- تَعَازُف: آشنایی

اعلموا

صیغُ الأفعال

با نام‌گذاری صیغه‌های (ساخت‌های) فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نهی	امر	مضارع	ماضی	نام صیغه ^۱ (ساخت) به فارسی و عربی	
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	متکلم واحد	اول شخص مفرد
لا تَفْعَلْ	إِفْعَلْ	تَفْعَلُ	فَعَلْتَ	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
لا تَفْعَلِي	إِفْعَلِي	تَفْعَلِينَ	فَعَلْتِ	مفرد مؤنث مخاطب	
		يَفْعَلُ	فَعَلَ	مفرد مذکر غایب	سوم شخص مفرد
		تَفْعَلُ	فَعَلْتَ	مفرد مؤنث غایب	
		نَفْعَلُ	فَعَلْنَا	متکلم مع الغیر	اول شخص جمع
لا تَفْعَلُوا	إِفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	جمع مذکر مخاطب	دوم شخص جمع
لا تَفْعَلَنَّ	إِفْعَلَنَّ	تَفْعَلَنَّ	فَعَلْتُنَّ	جمع مؤنث مخاطب	
لا تَفْعَلَا	إِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	مثنای مذکر مخاطب	
لا تَفْعَلَا	إِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	مثنای مؤنث مخاطب	
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	جمع مذکر غایب	سوم شخص جمع
		يَفْعَلَنَّ	فَعَلَنَّ	جمع مؤنث غایب	
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	مثنای مذکر غایب	
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْتَا	مثنای مؤنث غایب	

۱- ارزشیابی از نام صیغه به صورت اول شخص مفرد، مفرد مذکر غایب یا للغائب از اهداف کتاب درسی نیست؛

تَرْتِيبُ الْأَفْعَالِ وَالضَّمَائِرِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

أَفْعُلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	أَفْعُلُ الْمُضَارِعِ	أَفْعُلُ الْمَاضِي	الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ	الضَّمِيرُ الْمُنْفَصِلُ	الصِّيغَةُ	
		يَفْعُلُ	فَعَلَ	هُ	هُوَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	١
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	هُمَا	هُمَا	الْمُتَنِّي الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	٢
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	هُمْ	هُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	٣
		تَفْعُلُ	فَعَلْتَ	هَا	هِيَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	٤
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْتَا	هُمَا	هُمَا	الْمُتَنِّي الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	٥
		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	هُنَّ	هُنَّ	الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	٦
لَا تَفْعُلُ	إِفْعُلْ	تَفْعُلُ	فَعَلْتَ	كَ	أَنْتَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	٧
لَا تَفْعَلَا	إِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كُما	أَنْتُمَا	الْمُتَنِّي الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	٨
لَا تَفْعَلُوا	إِفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	كُمْ	أَنْتُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	٩
لَا تَفْعَلِي	إِفْعَلِي	تَفْعَلِينَ	فَعَلْتِ	كِ	أَنْتِ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	١٠
لَا تَفْعَلَا	إِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كُما	أَنْتُمَا	الْمُتَنِّي الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	١١
لَا تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	تَفْعَلْنَ	فَعَلْتِنَّ	كُنَّ	أَنْتِنَّ	الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	١٢
		أَفْعُلْ	فَعَلْتُ	ي	أَنَا	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	١٣
		نَفْعُلُ	فَعَلْنَا	نَا	نَحْنُ	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	١٤

إِعْلَمُوا

الضَّمَائِر

مثال	ضمير متصل	ضمير منفصل
من و خانواده ام	أَنَا و أُسْرَتِي حِي	أَنَا من
تو و دوست	أَنْتَ و صَدِيقُكَ لَكَ	أَنْتَ تو
	أَنْتِ و صَدِيقَتُكَ لِكِ	أَنْتِ تو
او و هم کلاسی اش	هُوَ و زَمِيلُهُ هُ	هُوَ او
	هِيَ و زَمِيلَتُهَا هِيَ	هِيَ او
ما و مدرسه مان	نَحْنُ و مَدْرَسَتُنَا نَا	نَحْنُ ما
شما و دوستانتان	أَنْتُمْ و أَصْدِقَاؤُكُمْ كُمْ	أَنْتُمْ شما
	أَنْتِنَّ و صَدِيقَاتُكُمْ كُنَّ	أَنْتِنَّ شما
	أَنْتُمَا و صَدِيقَاكُمَا كُمَا	أَنْتُمَا شما
	أَنْتُمَا و صَدِيقَاتُكُمَا كُمَا	أَنْتُمَا شما
ایشان و هم کلاسی هایشان	هُم و زَمِلَاؤُهُمْ هُمْ	هُم ایشان
	هُنَّ و زَمِيلَاتُهُنَّ هُنَّ	هُنَّ ایشان
	هُمَا و زَمِيلَاهُمَا هُمَا	هُمَا ایشان
	هُمَا و زَمِيلَاتُهُمَا هُمَا	هُمَا ایشان

مَعْنَى الْأَفْعَالِ

نهی		امر		مضارع		ماضی		نام صیغه (ساخت) به فارسی	
				أَفْعَلُ		انجام می‌دهم		فَعَلْتُ	
				تَفَعَّلُ		انجام می‌دهی		فَعَلْتِ	
لا تَفَعَّلْ		انجام نده		إِفْعَلْ		انجام بده		فَعَلْتِ	
لا تَفَعَّلِي		انجام نده		إِفْعَلِي		انجام بده		فَعَلْتِ	
				يَفْعَلُ		انجام می‌دهد		فَعَلَ	
				تَفَعَّلُ		انجام می‌دهد		فَعَلَتْ	
				نَفَعَلُ		انجام می‌دهیم		فَعَلْنَا	
				تَفَعَّلُونَ		انجام می‌دهید		فَعَلْتُمْ	
لا تَفَعَّلُوا		انجام ندهید		إِفْعَلُوا		انجام بدهید		فَعَلْتُمْ	
لا تَفَعَّلَنَّ		انجام ندهید		إِفْعَلَنَّ		انجام بدهید		فَعَلْتُنَّ	
لا تَفَعَّلَا		انجام ندهید		إِفْعَلَا		انجام بدهید		فَعَلْتُمَا	
لا تَفَعَّلَا		انجام ندهید		إِفْعَلَا		انجام بدهید		فَعَلْتُمَا	
				يَفْعَلُونَ		انجام می‌دهند		فَعَلُوا	
				يَفْعَلْنَ		انجام می‌دهند		فَعَلْنَ	
				يَفْعَلَانِ		انجام می‌دهند		فَعَلَا	
				تَفَعَّلَانِ		انجام می‌دهند		فَعَلْتَا	

اسم اشاره^۱

هَذَا الْفَلَّاحُ



این کشاورز
(مذکر)

هَذِهِ الْفَلَّاحَةُ



این کشاورز
(مؤنث)

هُؤُلَاءِ الْفَلَّاحُونَ
هُؤُلَاءِ الْفَلَّاحِينَ



این کشاورزان
(جمع مذکر)

هُؤُلَاءِ الْفَلَّاحَاتُ



این کشاورزان
(جمع مؤنث)

هَذَانِ الْفَلَّاحَانِ
هَٰئِينِ الْفَلَّاحِينَ



این کشاورزان
(مثنای مذکر)

هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ
هَاتَيْنِ الْفَلَّاحَتَيْنِ

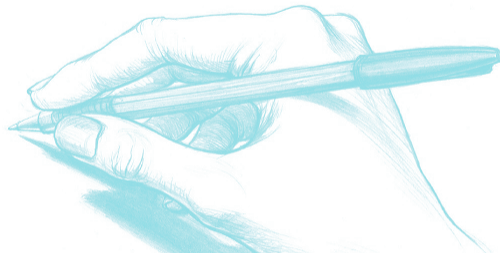


این کشاورزان
(مثنای مؤنث)

۱- اسم اشاره دور برای «مفرد مذکر: ذَلِكَ» و برای «مفرد مؤنث: تِلْكَ» به معنای «آن» است.
اسم اشاره دور برای «جمع مذکر» و «جمع مؤنث» به صورت مشترک «أُولَئِكَ» است.

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: تَرْجِمُ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

<input type="text"/>	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:	<input type="text"/>	اَكْتُبْ رِسَالَتَكَ:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
<input type="text"/>	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:	<input type="text"/>	اَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
<input type="text"/>	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أبحاثًا:	<input type="text"/>	سَأَكْتُبُ دَرْسِي:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
<input type="text"/>	كأنا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:	<input type="text"/>	ما كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	



التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرَرَةُ ○ مِّنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعَمُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْغَيْمُ ○ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ ○ قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعْرَةِ.
- ٧- الدَّرَرُ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ فَايْرَاتُ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تَلَكِ الْبَطَارِيَّةُ / أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ

هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ

مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
جمع مكسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم

١- صَعِّ: بَغْدَاد

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

١- ناصِر، مَنْصُور، أَنْصار:

٢- صَبَّار، صَبُور، صابِر:

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّحِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي الْفُرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضياءَ / نامَ / ناجِحَ / مَسرورَ / قَرِيبَ / جَمِيلَ / نِهايَةَ / يَمِينِ / غاليَةَ / شِراءَ / مَسْموحَ / مُجِدِّ

رَخِيصَةٌ ≠	راسِبٌ ≠	يَسارٌ ≠
بَيعٌ ≠	بِدايَةٌ ≠	بَعِيدٌ ≠
رَقَدَ =	قَبِيحٌ ≠	نورٌ =
حَزِينٌ ≠	مُجْتَهِدٌ =	مَمْنوعٌ ≠

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: ارْسُمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

١- فَرَاغٌ: جاي خالی

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

جبال كبركوه في مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمُحَافَظَةِ إِيلَام



﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بِ: بِاسْتِفَادَةٍ مِنْ

شاطئ كوشكنار في مُحافظَة هُرمُزجان



عَيْنُ راميان في مُحافظَة غُلستان



وادي دَلْفارَد في مُحافظَة كِرمَان





الدَّرْسُ الثَّانِي



قال رسول الله ﷺ :

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

ساعتي اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ



سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ

فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى

نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ

بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ

وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ

فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ.



﴿ إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ،

كُلُوا جَمِيعاً وَلَا تَفْرَقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَاتَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.﴾



﴿ اِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اِثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ

بِالْجَمَاعَةِ.﴾



﴿ مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.﴾

﴿ أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ لَهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالتَّارُ.﴾

﴿ الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.﴾

١- لَا تَفْرَقُوا ← لَا تَفْرَقُوا: پراکنده نشوید

آفریدگان به هم مهربانی می‌کنند	يَتَرَاحَمُ الْخَلْقُ	کاشت	عَرَسَ	جاری کرد	أَجْرِي
جاری است ، جاری می‌شود	يَجْرِي	بخورید	كُلُوا	مُخْلِصٌ شَدَّ، يَكْرِنُ شَدَّ	أَخْلَصَ
آمرزش می‌خواهد	يَسْتَغْفِرُ	پراکنده نشوید	لَا تَفَرَّقُوا	به‌دست گرفت و نگه داشت	أَمْسَكَ
بس است	يَكْفِي	صد	مِئَةٌ	ساخت	بَنَى
برای دو نفر بس است	يَكْفِي الثَّانِيَيْنِ	به ارث گذاشت	وَرَّثَ	یاد داد	عَلَّمَ
جوی‌های پر آب، چشمه‌ها «مفرد: يَنْبُوع»	يَنْبَاعٍ				



عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَجْرِي أَجْرٌ حَفِرَ الْبَيْرُ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.
- ۲- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.
- ۳- الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ، جُزْءٌ وَاحِدٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.
- ۴- يَجْرِي أَجْرٌ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.
- ۵- إِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.

إِعْلَمُوا الأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الأَوَّلُ إِلَى العِشْرِينَ)		الأَعْدَادُ الأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)		
عَشْرَةَ ١٠	الأَحَدِي عَشَرَ ١١م	الأَوَّلُ ١م	أَحَدَ عَشَرَ ١١	وَاحِدٌ ١
عِشْرُونَ ٢٠	الثَّانِي عَشَرَ ١٢م	الثَّانِي ٢م	إِثْنَا عَشَرَ ١٢	إِثْنَانِ ٢
ثَلَاثُونَ ٣٠	الثَّلَاثُ عَشَرَ ١٣م	الثَّلَاثُ ٣م	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ١٣	ثَلَاثَةٌ ٣
أَرْبَعُونَ ٤٠	الرَّابِعَ عَشَرَ ١٤م	الرَّابِعُ ٤م	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ١٤	أَرْبَعَةٌ ٤
خَمْسُونَ ٥٠	الأَخْمِيسَ عَشَرَ ١٥م	الأَخْمِيسُ ٥م	خَمْسَةَ عَشَرَ ١٥	خَمْسَةٌ ٥
سِتُونَ ٦٠	السَّادِسَ عَشَرَ ١٦م	السَّادِسُ ٦م	سِتَّةَ عَشَرَ ١٦	سِتَّةٌ ٦
سَبْعُونَ ٧٠	السَّابِعَ عَشَرَ ١٧م	السَّابِعُ ٧م	سَبْعَةَ عَشَرَ ١٧	سَبْعَةٌ ٧
ثَمَانُونَ ٨٠	الثَّمَانِينَ عَشَرَ ١٨م	الثَّمَانِينَ ٨م	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ١٨	ثَمَانِيَةٌ ٨
تِسْعُونَ ٩٠	التَّاسِعَ عَشَرَ ١٩م	التَّاسِعُ ٩م	تِسْعَةَ عَشَرَ ١٩	تِسْعَةٌ ٩
مِئَةٌ ١٠٠	العِشْرُونَ ٢٠م	العَاشِرُ ١٠م	عِشْرُونَ ٢٠	عَشْرَةٌ ١٠

١- به کلمات «رجال» و «گوبَّا» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ كُوبًا» معدود^١ گفته می‌شود.

٢- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: ثَلَاثٌ و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَعٌ و أَرْبَعَةٌ.

٣- «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود.

٤- عددهای عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ ... و تِسْعُونَ به صورت عِشْرِينَ، ثَلَاثِينَ، أَرْبَعِينَ ... و تِسْعِينَ نیز می‌آیند.

٥- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال: «خَمْسَةُ وَعِشْرُونَ» یعنی «پنجاه و پنج».

٦- وزن «أَفْعَالٍ» در عددهای ترتیبی «الثَّانِي» تا «العَاشِرِ» به تشخیص آنها از عددهای اصلی، کمک می‌کند.

١- دانستن قواعد معدود از اهداف کتاب نیست.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ﴿الأعراف: ١٤٢﴾

سَبْعِينَ رَجُلًا ﴿الأعراف: ١٥٥﴾

سَبْعَةَ أَبْوَابٍ ﴿الْحَجَر: ٤٤﴾

سِتِّينَ مَسْكِينًا ﴿المُجَادَلَة: ٤﴾

سِتَّةَ أَيَّامٍ ﴿ق: ٣٨﴾

مِئَةَ حَبَّةٍ ﴿البَقَرَة: ٢٦١﴾

أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا ﴿يُوسُف: ٤﴾

إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا ﴿التَّوْبَة: ٣٦﴾

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في مطار النجف الأشرف)

سائح من الكويت	سائح ^۱ من إيران
وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي.	مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
لا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنْ بَاكِسْتَانِ؟	هَلْ حَضَرْتِكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتُ أَنْتَ؟	لا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ؟
كَمْ عُمْرِكَ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟	عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.
ما أَجْمَلُ ^۲ غاباتِ مازندران وَ طَبِيعَتِهَا!	أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جُوِيَارِ فِي مُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَانِ.
نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أُمَّتِنَا <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> .	هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيرَانِ مِنْ قَبْلِ؟!
إِنَّ إِيرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ ^۳ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ. ^۴	كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرَانَ؟



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أَجْمَلُ: چه زیباست! ۳- شَعْبٌ: ملت ۴- مِضْيَافٌ: مهمان‌دوست

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ.

(+ زَائِدٌ^١) (- نَاقِصٌ^٢) (÷ تَقْسِيمٌ عَلَى) (× فِي، ضَرْبٌ فِي)

١- عَشْرَةٌ فِي^٣ ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي^٤ ثَلَاثِينَ. $10 \times 3 = 30$

٢- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةَ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

٣- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

٥- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

٦- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: اُكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

١- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْوَاحِدِ.

٢- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.

٣- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشِّتَاءِ.

٤- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.

٥- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً، وَ الْفَائِزُ الـ جَائِزَةً فَضِيَّةً.

٣- برای اختصار کلمه «ضَرْب» در «ضَرْبٌ فِي» حذف می شود.

١- زَائِدٌ: به علاوه ٢- نَاقِصٌ: منهای

٤- يُسَاوِي: مساوی است

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغَاتِ اَعْدَادًا مُنَاسِبَةً.

مِنِ وَاحِدٍ إِلَى ثَلَاثِينَ				
.....	أَرْبَعَةٌ	ثَلَاثَةٌ	وَاحِدٌ
عَشْرَةٌ	تِسْعَةٌ	سَبْعَةٌ
.....	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	ثَلَاثَةَ عَشَرَ	أَحَدَ عَشَرَ
عِشْرُونَ	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ	سَبْعَةَ عَشَرَ
.....	أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ	إِثْنَانِ وَعِشْرُونَ	وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ
ثَلَاثُونَ	ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ	سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ

مِنِ عِشْرِينَ إِلَى تِسْعِينَ			
خَمْسُونَ	أَرْبَعُونَ	عِشْرُونَ
تِسْعُونَ	سَبْعُونَ



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِمِ الْجُمْلَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.»

عَشْرٌ / مِئَةٌ / خَمْسٌ / عِشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةٌ

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا^١ نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ^٢ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عامًا﴾ الْعَنْكَبُوتُ: ١٤
٩٥٠ سال

٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أمثالها﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠

٣- الصَّبْرُ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ: الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ، وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقَلَّةِ، وَ الصَّبْرُ عِنْدَ
الْمُصِيبَةِ، وَ الْجِلْمُ^٤ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ. الْأِمَامُ السَّجَّادُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- أَرْسَلْنَا: فرستادیم ٢- لَبِثَ: اقامت کرد، ماند ٣- جَاءَ بِ: آورد ٤- جِلْمٌ: بردباری

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِّمِ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...

١- ... الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعٍ^١ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

٢- ... النَّمْلَةُ^٢ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ^٣ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

٤- ... الْغُرَابُ يَعْيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟

٥- ... طَوَّلَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ^٤؟



١- سَمَاعٌ: سَنِيدِن ٢- نَمْلَةٌ: مَوْرِجَه ٣- يَفُوقُ: بِالَاتِرِ اسْتِ اَز ٤- أَمْتَارٌ: جَمْعُ مِتْر

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: اُكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

١- الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ.

٢- السَّابِعَةَ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.

٣- الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا.

٤- السَّادِسَةَ إِلَّا رُبْعًا.

٥- الْخَامِسَةَ وَ النِّصْفَ.



كَمَّلِ الْفَرَغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ طه: ۲۵ إلى ۲۸

پروردگارا را برایم بگشای و کارم را آسان گردان
و گره از بگشا [تا] سخنم را بفهمند.

۲- ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
البقرة: ۲۰۱

ای پروردگار ما، در دنیا به ما نیکی و [نیز] نیکی بده و ما را
از عذاب نگاه دار.

۳- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ البقرة: ۱۱۰

و را برای دارید و زکات بدهید و هرچه را از کار نیک برای
..... پیش بفرستید، خدا می یابید.

۴- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ﴾ البقرة: ۲۵۰

پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن و ما را
بر مردم کافر

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

اِبْحَثْ عَنْ آيَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ حَدِيثٍ وَاحِدٍ فِي نَهْجِ الْفَصَاحَةِ فِيهِمَا عَدَدٌ، عَلَى حَسَبِ ذَوْقِكَ.



﴿ فَاقرُّوْا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ﴾

الْمُرْمَل: ٢٠



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرُّوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادهای] ابری را
برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابری] را در آسمان می‌گستراند.

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!
 إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛
 وَلَكِنْ أَيْمِكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟!
 هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!
 حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



أَنْظُرُ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ
أَسْمَاكَ. يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ
النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.
يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكََا الْوُسْطَى.



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيُشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ
عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِيحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تَصْبِحُ
الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَتَنَاوُلِهَا.



حاولَ العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيُزَيِّرَةَ المَكانِ
وَ التَّعَرَّفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الأَمطارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا
أَنَّ أَكْثَرَ الأَسْمَاكِ المُنْتَشِرَةِ عَلَى الأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ واحِدٍ، وَلَكِنَّ الغَرِيبَ فِي الأَمْرِ أَنَّ
الأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِياهِ المُجاوِرَةِ بَلْ بِمِياهِ المُحيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ
مَسافَةً مِئَتَيْ كيلومترٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الأَسْمَاكِ.

ما هُوَ سَبَبُ تَشكيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعصارٌ شَدِيدٌ فيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلى
السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيأخُذُها إِلى مَكانٍ بَعِيدٍ وَعِندَما يَفقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ.
يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِندوراسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنويًا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

حیران کرد	حَيَّرَ	برانگیخت	أَنَارَ
کشید	سَحَبَ	جشن گرفت	اِحْتَفَلَ
نامید	سَمَّى	شد	أَصْبَحَ
سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	سَوَّاءَ	گردباد	إِعْصَارَ
سالانه	سَنَوِيٌّ	آمریکای مرکزی	أَمْرِيكَاَ الْوُسْطَى
باور کرد	صَدَّقَ	باران بارید	أَمَطَرَ
تا باور کنی	حَتَّى تُصَدِّقَ	گستراند	بَسَطَ
پدیده «جمع: ظواهر»	ظَاهِرَةٌ	دور شد	بَعَدَ
فیلم «جمع: أفلام»	فِلمٌ	می‌بینی، ببینی	تَرَى
اقیانوس اطلس	الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ	پی در پی افتاد	تَساقَطَ
پوشیده، فرش شده	مَفْرُوشٌ	شناختن	التَّعْرِفُ عَلَى
جشنواره	مِهْرَجَانٌ	برف، یخ «جمع: ثُلُوج»	تَلْجٌ
پایین آمدن، بارش	نُزُولٌ	بسیار خوب	حَسَنًا



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمَوْنَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

إِعْلَمُوا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١)

فعلها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول: فعل‌هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شود.

گروه دوم: فعل‌هایی که علاوه بر حروف اصلی، حروف زائد دارد.

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اِسْتَخْرَجَ، اِعْتَرَفَ، اِنْقَطَعَ و تَشَكَّرَ.

در کتاب‌های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است،

بیشتر آشنا شوید.

الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي
اِسْتَفْعَالُ	اِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَ
اِفْتِعَالُ	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
اِنْفِعَالُ	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
تَفَعُّلُ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

۱- دانش‌آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
إِسْتَرْجَع: پس گرفتن	إِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت
إِسْتِغَالَ: کار کردن	إِسْتِغَلْ: کار کن	يَسْتِغَلُّ: کار می‌کند	إِسْتِغَالَ: کار کرد
إِنْفَتَحَ: باز شدن	إِنْفَتِحْ: باز شو	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	إِنْفَتَحَ: باز شد
تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شدن	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد

إِخْتَبَرَ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَغْفَرَ:	مضارع	ماضي
إِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	إِسْتَغْفَرُ:	مصدر	امر

يَعْتَذِرُ:	إِعْتَذَرَ:	مضارع	ماضي
إِعْتِذَارُ: پوزش خواستن	إِعْتَذِرُ:	مصدر	امر

يَنْقَطِعُ:	إِنْقَطَعَ:	مضارع	ماضي
إِنْقِطَاعُ: بریده شدن	إِنْقَطِعُ:	مصدر	امر

يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:	مضارع	ماضي
تَكَلُّمُ: سخن گفتن	تَكَلَّمَ:	مصدر	امر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌هایی هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«ت» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُ اِكْتَسَبْتُ اِنْسَحَبْتُ تَعَلَّمْتُ

«ت» در «فَعَلْتِ» (انجام دادی) مانند:

اِسْتَخْرَجْتِ اِكْتَسَبْتِ اِنْسَحَبْتِ تَعَلَّمْتِ

«-» در «فَعَلَ» (انجام داد) مانند:

اِسْتَخْرَجَ اِكْتَسَبَ اِنْسَحَبَ تَعَلَّمَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم) مانند:

اِسْتَخْرَجْنَا اِكْتَسَبْنَا اِنْسَحَبْنَا تَعَلَّمْنَا

«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُمْ اِكْتَسَبْتُمْ اِنْسَحَبْتُمْ تَعَلَّمْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند) مانند:

اِسْتَخْرَجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَحَبُوا تَعَلَّمُوا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِشْتَغَلُوا:	کار کرد	اِشْتَغَلَ:
تَعَلَّمْتُمْ:	یاد گرفت	تَعَلَّمَ:
انْقَطَعَتْ:	بریده شد	انْقَطَعَ:
اِسْتَغْفَرْنَا:	آمرزش خواست	اِسْتَغْفَرَ:



یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم) مانند: اَسْتَخْرِجُ اَكْتَسِبُ اَنْسَحِبُ اَتَعَلَّمُ
 «ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعَلَّمُ
 «ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعَلَّمُ
 «ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعَلَّمُ
 «ت» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَتَعَلَّمُونَ

«ی» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَتَعَلَّمُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

.....	يَبْتَسِمُونَ:	لبخند می زند	يَبْتَسِمُ:
.....	نَتَكَلَّمُ:	سخن می گوید	يَتَكَلَّمُ:
.....	تَنْسَحِبُونَ:	عقب نشینی می کند	يَنْسَحِبُ:
.....	أَتَعَلَّمُ:	یاد می گیرد	يَتَعَلَّمُ:

فِعْلُ الْأَمْرِ

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افعل»، «افعل» و «افعل» آشنا شدید؛ مثال:

تَنْزِلُ: پایین می آید	أَنْزَلَ: پایین بیا	تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعُ: بشنو
تَعْرِفُ: می شناسی	اعْرِفُ: بشناس	تَلْعَبُ: بازی می کنی	الْعَبُ: بازی کن
تَكْتُبُ: می نویسی	اُكْتُبُ: بنویس	تَذْهَبُ: می روی	ادْهَبُ: برو
تَخْرُجُ: خارج می شوی	اُخْرَجُ: خارج شو	تَعْمَلُ: کار می کنی	اعْمَلُ: کار کن
تَنْظُرُ: نگاه می کنی	انْظُرُ: نگاه کن	تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسُ: بنشین



اکنون با شکل‌های جدیدی از فعل امر آشنا شوید.

تَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهی اِسْتَغْفِرُ: آمرزش بخواه

تَبْتَعدُ: دور می‌شوی اِبْتَعدُ: دور شو

تَنْسَحِبُ: عقب‌نشینی می‌کنی اِنْسَحِبُ: عقب‌نشینی کن

تَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیری تَعَلَّمُ: یاد بگیر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، نشانه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.

اِبْتَعدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتَخدمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لا تَنْسَحِبُوا عَن اَداءِ واجِبِكُمْ.





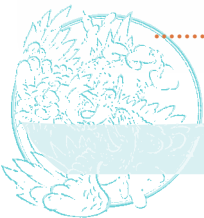
یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

- «نـ» در «اِفْعَلْ اِسْتَفْعَلْ اِفْتَعَلْ اِنْفَعَلْ تَفَعَّلْ» مانند:
- اِذْهَبْ اِسْتَخْرِجْ اِكْتَسِبْ اِنْسَجِبْ تَعَلَّمْ
- «ی» در «اِفْعَلِي اِسْتَفْعَلِي اِفْتَعَلِي اِنْفَعَلِي تَفَعَّلِي» مانند:
- اِذْهَبِي اِسْتَخْرِجِي اِكْتَسِبِي اِنْسَجِبِي تَعَلَّمِي
- «و» در «اِفْعَلُوا اِسْتَفْعَلُوا اِفْتَعَلُوا اِنْفَعَلُوا تَفَعَّلُوا» مانند:
- اِذْهَبُوا اِسْتَخْرِجُوا اِكْتَسِبُوا اِنْسَجِبُوا تَعَلَّمُوا
- «نَ» در «اِفْعَلْنَ اِسْتَفْعَلْنَ اِفْتَعَلْنَ اِنْفَعَلْنَ تَفَعَّلْنَ» مانند:
- اِذْهَبْنَ اِسْتَخْرِجْنَ اِكْتَسِبْنَ اِنْسَجِبْنَ تَعَلَّمْنَ
- «ا» در «اِفْعَلَا اِسْتَفْعَلَا اِفْتَعَلَا اِنْفَعَلَا تَفَعَّلَا» مانند:
- اِذْهَبَا اِسْتَخْرِجَا اِكْتَسِبَا اِنْسَجِبَا تَعَلَّمَا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

- تَنْتَظِرُونَ: منتظر می شوید اِنْتَظِرُوا:
- تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می کنی تَعَجَّبِي:
- تَسْتَخْرِجْنَ: خارج می کنید اِسْتَخْرِجْنَ:



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز

(في قِسمِ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ)

أَلْمَسَافِرُ الْإِيرَانِيَّ	شُرْطِيّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ
نَحْنُ مِنْ إِيرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُل.	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.	مَرَحَبًا بِكُمْ ^٢ . شَرَفْتُمُونَا ^٣ .
أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ ^٥ .	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ^٤ ؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.	أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتٌ ^٦ الدُّخُولِ؟
عَلَى عَيْنِي.	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ ^٧ .
نَحْنُ جَاهِزُونَ ^٨ .	رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.



١- جواز: گذرنامه ٢- مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ٣- شَرَفْتُم: مشرف فرمودید ٤- مُرَافِق: همراه ٥- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ٦- بَطَاقَة: کارت، بلیت ٧- تَفْتِيْش: بازرسی ٨- جَاهِز: آماده



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

- ١- الْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ.
- ٢- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
- ٥- الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ^١ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ»: انْقَطَعَ قَطَعَ تَقَطَّعَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: يُرَاجِعُ يَرْجِعُ يَسْتَرْجِعُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: اسْتِعْلَامٌ تَعَلَّمَ تَعْلِيمٌ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْتَمِعُ»: اسْتَمِعَ تَسَمَّعَ اسْمَعُ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: مَا احْتَفَلْ لَا تَحْتَفِلْ لَا تَحْتَفِلْ
- ٦- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ»: سَيَبْتَسِمُ ابْتِسَامٌ ابْتِسِمُ

١- لَا تَنْتَقِلُ: جَابَهُ جَاءَ فَمَيَّ شُود

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (إِذَا كَانَ موجوداً)

۱- ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران: ۱۳۵

۲- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ يونس: ۲۰

۳- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ...﴾ الْمَزْمَل: ۱۰

۴- النَّاسُ نِيَامٌ^۱؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا^۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ^۳ وَالْبَهَائِمِ^۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث رسول الله ﷺ

۱- نیام: خفتگان (مفرد: نائم) ۲- انْتَبَهَوْا: بیدار شدند (بیدار شوند) ۳- بَقَاع: قطعه‌های زمین (مفرد: بَقْعَة) ۴- بَهَائِم: چارپایان

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الْمَسْجِدُ ○ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.
٢- الْمَشْمَشُ ○ عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.
٣- الْيَنْبُوعُ ○ فَكَيْهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا.
٤- الْمَوْتُ ○ بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.
٥- اللَّيْلُ ○ الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ.
٦- الصَّفُّ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانَ / نَزَلَ

..... / / /

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- ١- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِذَنبِكَ﴾ غَافِرٌ: ٥٥ ○ اسْتَغْفِرُ ○ اسْتَرْجِعُ
٢- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. ○ تَخْرُجُ ○ تَخْرُجُنَا
٣- إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ، وَ أَنْتَ رَجَائِي. ○ انْقَطَعْتُ ○ انْقَطَعَ
٤- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. ○ يَنْتَظِرُ ○ يُصَدِّقُ
٥- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرَةٍ الْإِنْتَرْنِتِ. ○ اسْتَلَمْنَا ○ اسْتَلَمْتُ

١- عَبْرَةٌ: از راه

إِنْتخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید نشدند ؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید نشده است نمی‌شود .

۲- ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ۱۲۵

با دانش و فرمان اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب بهتر است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي﴾ البقرة: ۱۵۲

پس ما را مرا یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید شکرگزاری کنید .

۴- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه توانش درخواستش تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقرة: ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش زیانش است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به سودش زیانش است.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون ﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ٩٢
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس
مرا پرستید.

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ:
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَّلَتْ: ٣٤



إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ لَا يَسُبُّوا^٢ مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهَوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ

١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- أَنْ لَا يَسُبُّوا: که دشنام ندهند

٣- کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...

٤- أَلَّا نَعْبُدَ = أَنْ + لَا نَعْبُدَ

النَّاسَ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايِشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ
﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْم: ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْخُجُرَات: ١٣



يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ.

﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ١٠٣





يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

■ الْمُعْجَم: واژه نامه

أَتَقَى	پرهیزگارترین	حَمِيم	گرم و صمیمی	سَوَاء	یکسان
إِحْتِفَافٌ	نگاهداشتن	خِلَافٌ	اختلاف	عَلَى مَرٍّ	در گذر زمان
إِسَاءَةٌ	بدی کردن	خُمْسٌ	یک پنجم	عَمِيلٌ	مزدور «جمع: عُمَلَاءُ»
أَشْرَكَ	شریک قرار داد	دَعَا	فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرامی خوانند»	لَدَى	نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»
إِعْتَصَمَ	چنگ زد (با دست گرفت)	ذَكَرَ	مرد، نر	مَعَ بَعْضٍ	با همدیگر
أَكْرَمَ	گرامی ترین	فَرِحَ	شاد	مِنْ دُونِ اللَّهِ	به جای خدا، به غیر خدا
أُنْثَى	زن، ماده	فَرَّقَ	پراکنده ساخت	يَتَجَلَّى	جلوه گر می شود
تَعَارَفَ	یکدیگر را شناختن «لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید.»	قَائِدٌ	رهبر «جمع: قَادَةٌ»	يَجُوزُ	جایز است
تَعَايَشَ	همزیستی داشت	قَائِمٌ	استوار، ایستاده	يَسْتَوِي	برابر می شود
حَبَلٌ	طناب «جمع: حِبَالٌ»	سَبَّ	دشنام داد	يُؤَكِّدُ	تأکید می کند
حُرِّيَّةٌ	آزادی	سَلَمِيٌّ	مُسَالَمَتِ آمِيز «سَلَمٌ: صلح»		



- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.....
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.....
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً.....
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللُّونِ.....
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.....

اعلموا

أشكال الأفعال (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
تَفَاعَلْ	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ
تَفَعَّلْ	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ
مُفَاعَلَةٌ	فَاعِلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعَلْ
إِفْعَالٌ	أَفْعِلْ	يُفْعِلُ	أَفْعَلْ

۱- دانش آموز باید وزن های این جدول را حفظ کند.

مصدر	امر	مضارع	ماضي
تَشَابَهَ: همانند شدن	تَشَابَهْ: همانند شو	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهَ: همانند شد
تَفَرَّحَ: شاد کردن	فَرِّحْ: شاد کن	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرَّحَ: شاد کرد
مُجَالَسَ: همنشینی کردن	جَالِسْ: همنشینی کن	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسَ: همنشینی کرد
إِخْرَجَ: بیرون آوردن	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرَجَ: بیرون آورد

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

يَتَعَامَلُ:	تَعَامَلْ:	مضارع	ماضي
تَعَامَلْ: داد و ستد کردن	تَعَامَلْ:	مصدر	امر
يَعْلَمُ:	عَلِّمْ:	مضارع	ماضي
تَعْلِيم: یاد دادن	عَلِّمْ:	مصدر	امر
يُكَاتِبُ:	كَاتِبْ:	مضارع	ماضي
مُكَاتَبَة: نامه نگاری کردن	كَاتِبْ:	مصدر	امر
يُجَلِّسُ:	أَجْلَسْ:	مضارع	ماضي
إِجْلَاس: نشان دادن	أَجْلِسْ:	مصدر	امر

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار
(في صالَة التفتيش بالجمارك^٢)

الزائرة	شُرطِي الجمارك
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟	إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.
لَا بَأْسَ.	تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.
لِأَسْرَتِي.	عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ ^٣ .
فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَفَةُ وَالْمَلَابِسُ ...	مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ ^٤ .	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
حُبُوبٌ مُهَدَّئَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جَدًّا.	هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
شُكْرًا.	لَا بَأْسَ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.



١- صالَة: سالن ٢- جمارك: گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِكْرِيَّات: خاطرات

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، شناسه است.

مثال‌هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَارَفْتُ	عَلَّمْتُ	شَاهَدْتُ	أَرْسَلْتُ	«تُ» در «فَعَلْتُ»	(انجام دادم)؛ مانند:
تَعَارَفْتَ	عَلَّمْتَ	شَاهَدْتَ	أَرْسَلْتَ	«تَ» در «فَعَلْتَ»	(انجام دادی)؛ مانند:
تَعَارَفْنَا	عَلَّمْنَا	شَاهَدْنَا	أَرْسَلْنَا	«نا» در «فَعَلْنَا»	(انجام دادیم)؛ مانند:
تَعَارَفْتُمْ	عَلَّمْتُمْ	شَاهَدْتُمْ	أَرْسَلْتُمْ	«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ»	(انجام دادید)؛ مانند:
تَعَارَفُوا	عَلَّمُوا	شَاهَدُوا	أَرْسَلُوا	«وا» در «فَعَلُوا»	(انجام دادند)؛ مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

.....	تَصَادَمُوا:	تصادف کرد
.....	حَرَّكَتُمَا:	حرکت داد
.....	سَافَرْنَا:	سافر کرد
.....	أَحْسَنْتُمْ:	آحسن کرد

مثال‌هایی برای یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعَارَفُ أَعْلَمُ أَشَاهِدُ أُرْسِلُ
 «ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَتَعَارَفُ تُعَلِّمُ تُشَاهِدُ تُرْسِلُ
 «ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَتَعَارَفُ يُعَلِّمُ يُشَاهِدُ يُرْسِلُ
 «ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعَارَفُ نَعَلِّمُ نَشَاهِدُ نُرْسِلُ
 «ت» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:

تَتَعَارَفُونَ تُعَلِّمُونَ تُشَاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«ی» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند)؛ مانند:

يَتَعَارَفُونَ يُعَلِّمُونَ يُشَاهِدُونَ يُرْسِلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... يُعَوِّضُ: جبران می‌کند يُعَوِّضُونَ:

..... يُعَامِلُ: رفتار می‌کند تُعَامِلُونَ:

..... يُخْرِجُ: خارج می‌کند يُخْرِجُونَ:

..... تَبَادَلُ: داد و ستد کرد تَتَبَادَلُونَ:

آنچه در یادگیری فعل‌های امر مهم است، شناسه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.



یادآوری شناسه‌های فعل امر:

«ن» در «اَفْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَّلْ، فاعِلْ، اَفْعَلْ» مانند:

اِذْهَبْ تَشَابَهْ فَرَّحْ جالِسْ اَخْرِجْ

«ی» در «اِفْعَلِي، تَفَاعَلِي، فَعَّلِي، فاعِلِي، اِفْعَلِي» مانند:

اِذْهَبِي تَشَابَهِي فَرَّحِي جالِسي اَخْرِجِي

«و» در «اِفْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فاعِلُوا، اِفْعَلُوا» مانند:

اِذْهَبُوا تَشَابَهُوا فَرَّحُوا جالِسوا اَخْرِجوا

«ن» در «اِفْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فاعِلْنَ، اِفْعَلْنَ» مانند:

اِذْهَبْنَ تَشَابَهْنَ فَرَّحْنَ جالِسْنَ اَخْرِجْنَ

«ا» در «اِفْعَلْا، تَفَاعَلْا، فَعَّلْا، فاعِلْا، اِفْعَلْا» مانند:

اِذْهَبْا تَشَابَهْا فَرَّحْا جالِسا اَخْرِجا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... :سَلِّمُوا تُسَلِّمُونَ: سلام می کنید

..... :تَعَارَفْنَ تتعارفْنَ: آشنا می شوید

..... :شَارِكَا تُشَارِكَانِ: شرکت می کنید

..... :اَحْسِنِي تُحْسِنِينَ: نیکی می کنی

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.

٢- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ عَلَى الْبَعْضِ الْآخَرَ.

٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.

٤- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ.

التَّمرينُ الثَّاني: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

١- ذَاكَ ○ وَجَعُ فِي الرَّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَ أَسْبَابُهُ.

٢- الْفُرْشَاءُ ○ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.

٣- الْبُقْعَةُ ○ أَدَاةٌ لِتَنْظِيفِ الْأَسْنَانِ.

٤- الْأُصْدَاعُ ○ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.

٥- الْمُحِيطُ

التَّمرينُ الثَّالثُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

ذِكْرِيَاتٍ / سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / قَائِمَةٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

١- جَوَّالٌ تَفْرُغُ^١ بَطَّارِيَّتُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- زُمَّلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ

٣- كَتَبْتُ السَّفْرَةَ الْعِلْمِيَّةَ.

٤- لَا تَعْبُدُوا اللَّهُ أَحَدًا.



١- تَفْرُغُ: خَالِيَ مِنْ شَيْءٍ

أَلْتَمَرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ...)

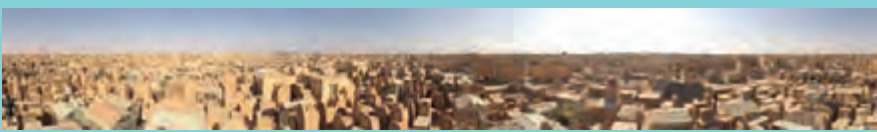
١- ... الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلَ؟

٢- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا.

١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِرٍ: ٥٥

٤- ﴿... وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٦٤

٥- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاءِ: ١٠٥

٦- ﴿قَالَ إِنِّي أَغْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ٣٠



الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يُحَاوِلُ»: تَحَوَّلَ حَوَّلَ حَاوَلَ
- ٢- الْمَضَارِعُ مِنْ «حَذَرَ»: يُحَاذِرُ يَحْذَرُ يُحَدِّرُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ»: تَقَاعُدُ تَقْعِيدُ إِقْعَادُ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُرْسِلُ»: أَرْسَلَ أَرْسَلُ أَرْسَلَا
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «نُقَبِّلُونَ»: لَا تُقَابِلُوا لَا تُقَبِّلُوا لَا تُقَبِّلُوا
- ٦- الْمَضَارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: يُعَلِّمُ يَتَعَلَّمُ يَعْلَمُ
- ٧- الْمَصْدَرُ مِنْ «إِعْتَرَفَ»: تَعَرَّفُ تَعَارُفُ إِعْتِرَافُ



عَيْنَ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ فِي الْآيَاتِ.

۱- ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ

قالوا سَلَامًا﴾ الْفُرْقَان: ۶۳

و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ۱۱۴

بی‌گمان خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ۴۳

ستایش از آن خدایی است که ما را به این [نعمت‌ها] رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ الْقَصَص: ۲۴

پروردگارم، من بی‌گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرَّعْد: ۲

آگاه باش که با یادِ خدا دل‌ها آرام می‌گردد.

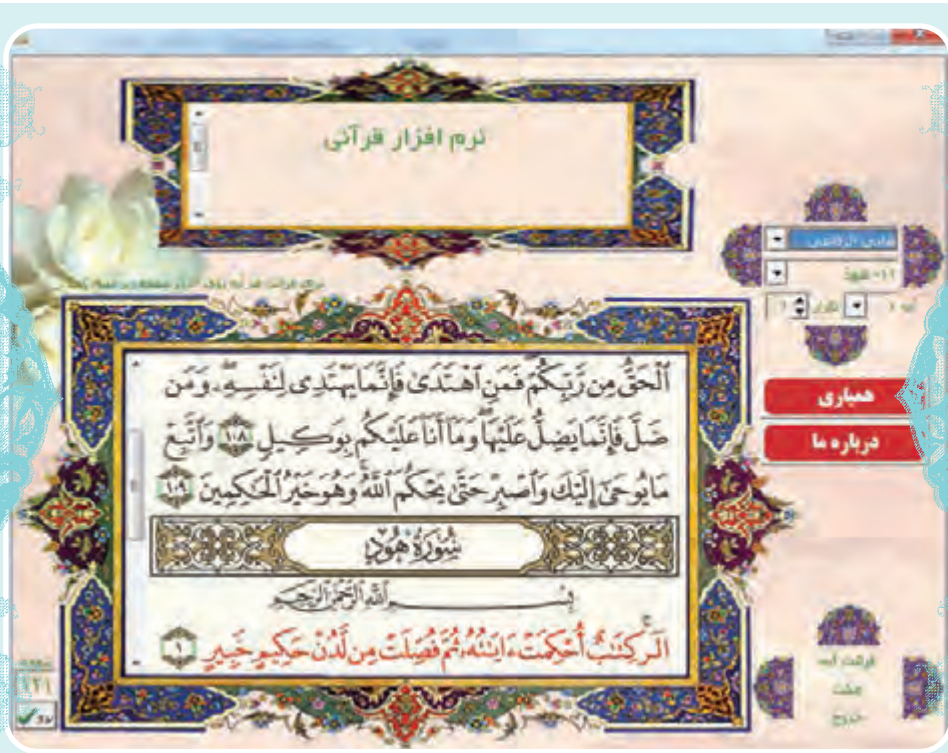
۶- ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ الْقَصَص: ۷۷

نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَن آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِّنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . إِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرْ . إِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١

﴿ أَلْغَوَّاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمَلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَّاصُونَ التِّقَاطَ صَوْرٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ



الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟

رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ

جَدَّ وَجَدَ».



﴿ إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ،

لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَيِّمَ.

﴿ إِنِّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطُّبِّيَّةَ وَ تَعَلَّمُ
كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛



وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطُّبِّيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتِ
الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.



﴿﴾ إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً
تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ
حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.



﴿﴾ لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالقُرْبِ مِنْ ذَنبِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً تَنْشُرُهُ عَلَى
جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُهَا بِالمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.



لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِئَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



دور شد «حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود»	بكتيريا	باکتری	سائل	مایع	إِبْتَعَدَ
جهت	بوم، بومَة	جغد	ضوء	نور «جمع: أضواء»	إِتْجَاه
چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»	تَأَثَّرَ	تحت تأثیر قرار گرفت	ظلام	تاریکی	أَدَارَ
که ببیند	تَحْتَوِي	در بر دارد	عَوَضَ	جبران کرد	أَنْ تَرَى
بهره بُرد «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»	تَحَرَّكَ	حرکت کرد	قِطْ	گره	إِسْتَفَادَ
افزون بر	تَنْشُرُ	پخش می کند	لَعِقَى	لیسید	إِضَافَةً إِلَى
گیاهان دارویی «مفرد: عُشْبٌ طِبِّيٌّ»	جُرْح	زخم	مُضِيءٌ	نورانی	أَعْشَابٌ طِبِّيَّةٌ
ترشح کرد	حَرَكَ	حرکت داد	مُطَهِّرٌ	پاک کننده	أَفْرَزَ
بهبود یافت «حَتَّى يَلْتَمِسَ: تا بهبود یابد»	حَوَّلَ	تبدیل کرد	وَقَايَةٌ	پیشگیری	إِتِّتَامٌ
عکس گرفتن	حِرْبَاءٌ	آفتاب پرست	مَلَكٌ	مالک شد، فرمانروایی کرد	إِتِّقَاطُ صَوْرٍ
مالکیت، داشتن	دَلَّ	راهنمایی کرد	يَسْتَطِيعُ	می تواند = يَقْدِرُ	إِمْتِلَاكٌ
نورانی کردن	دَوَّنَ	بی آنکه «دَوَّنَ أَنْ تَحْرَكَ: بی آنکه حرکت بدهد»	يَسْتَعِينُ بِـ	از ... یاری می جوید	إِنَارَةٌ
خشکی، زمینی «نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی»	دَنَبٌ	دُم «جمع: أذنان»	يَنْبَعِثُ	فرستاده می شود	بَرِّيٌّ
اردک	رَيْتٌ	روغن «جمع: زُيُوتٌ»			بَطٌّ، بَطَّةٌ

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يَحَدَّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْاِسْمِيَّةُ»

به جمله «يَعْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» «جمله فعلیه» گفته می شود؛ زیرا با فعل شروع شده است.
فعل فاعل مفعول

الگوی جمله فعلیه این است:

فعل «يَعْفِرُ» + فاعل «اللَّهُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبُ»

فعل، کلمه ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.
فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.
مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر آن انجام می شود.

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَاْفِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده اند. به چنین جمله هایی «جمله اسمیه» گفته می شود.

الگوی جمله اسمیه این است:

مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ و غَاْفِرُ.»

«مبتدا» و «خبر»، تقریباً همان «نهاد» و «گزاره» در دستور زبان فارسی هستند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می آید و درباره آن خبری گفته می شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا گزارشی می دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می کند.

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَالْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ^١ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةِ.

١- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ٣٥ خدا برای مردم مثلها می زند.

٢- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَّةً. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام از دست دادن فرصت اندوه است.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ^٢ الْأَحْرَارِ^٣ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

مبتدا مضاف الیه
خبر مضاف الیه

سینه‌های آزادگان گورهای رازهاست.

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التُّفَّاحِ.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

کشاورز کوشا درختان سیب می کارد.

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ وَالْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةِ.

١- أَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- تَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

١- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف الیه، صفت و ...

٢- صُدُور: سینه‌ها ٣- أحرار: آزادگان ٤- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را اجرا کنید.

جَوَازُ

(مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ	السَّائِحُ
أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.	أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟	كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟
لِأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الرُّوَارِ.	لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مَشَاهِدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!
زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِجَمِيعٍ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟	فِي الْبُدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجْفِ وَ سَامْرَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ.
أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كِسْرَى؟	نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَوَّلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.
مَا شَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!	بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ ^٢ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْتَرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.



١- أَحْسَنْتَ: آفرین ٢- قَدْ أَنْشَدَ: سروده است ٣- بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ: آفرین بر تو

التَّمْرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.....

٢- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمَ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.....

٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.....

٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.....

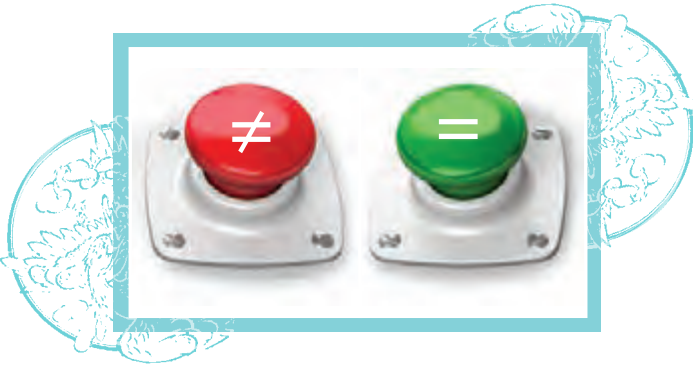
٥- عَدَمٌ وَجُودِ الضَّوءِ.....

٦- نَشْرُ النَّوْرِ.....



الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَلْمٌ حَرْبٌ	إِسْتِطَاعَةٌ قَدْرٌ
إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ	إِقْتِرَبَ ابْتَعَدَ
ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	بَنَى صَنَعَ
نُفَايَةٌ زُبَالَةٌ	عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ
حُجْرَةٌ غُرْفَةٌ	غَيْمٌ سَحَابٌ
قُرْبٌ بَعْدٌ	يَنْبُوعٌ عَيْنٌ
مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ	فَرِحَ حَزِنَ
جَاهِزٌ حَاضِرٌ	غُصَّةٌ حُزْنٌ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْعُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقْرَةُ



دَنْبٌ جَمِيلٌ.

الْمُضَافُ إِلَيْهِ:



يُرْسِلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.

الْمَفْعُولُ:



تُعْطِي الْحَلِيبَ.

الْفَاعِلُ:



طَائِرٌ جَمِيلٌ.

الْخَبَرُ:



الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِـ

الْمُبْتَدَأُ:



ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الصِّفَةُ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ^١ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ٢٦
- ٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا^٢ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الأعراف: ١٨٨
- ٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا^٣ وَنَبِيَّ خَلَقَهُ﴾ يس: ٧٨
- ٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رُبُّكَ أَحَدًا﴾ الكهف: ٤٩
- ٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ^٤﴾ البقرة: ١٨٥

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

- ١- النَّدَمُ^٥ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٢- أَكْبَرُ الْحُمُقِ^٥ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَدْحُ^٦. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- الْعِلْمُ صَيْدٌ، وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ^٧. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- سَكِينَةٌ: آرامش ٢- ضَرَّ: زيان ٣- يُسْرٌ: آسانی ٤- نَدَمٌ: پشیمانی ٥- حُمُقٌ: نادانی ٦- دَمٌ: نکوهش ٧- قَيْدٌ: بند

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْجُمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- صَدْرُ الْعَاقِلِ، صُنْدُوقُ سِرِّهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- نَفْسًا: كَمَى

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۸۵

هر کسی چشنده است. (می میرد)

۲- ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

و درباره آسمان ها و زمین ؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

[و می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده ؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَفِينَا عَذَابَ النَّارِ﴾

تو پاکی؛ ما را از شکنجه نگاه دار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و ، هیچ ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾

ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما

آلِ عِمْرَانَ: ۱۹۳-۱۹۱

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللّٰهِ،
ثُمَّ تَرْجِمْهُ اِلَى الْفَارْسِيَّةِ،
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



بُحَيْرَةُ زَرْبَارِ فِي مَدِينَةِ مَرْيَوَانَ بِمُحَافَظَةِ كُرْدِسْتَانَ



الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ﴾

قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿الْكَهْفُ: ٨٣﴾

و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند،

بگویادی از او بر شما خواهیم خواند.

كَانَ ذُو الْقَرْنَيْنِ مَلِكًا عَادِلًا مَوْحِدًا، وَ كَانَ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً. ذُكِرَ اسْمُهُ فِي الْقُرْآنِ.

﴿لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْصَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ، سَارَ مَعَ جَيْشِهِ الْعَظِيمِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرِيبَةِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ. فَكَانَ النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقَ فِيهَا مُسْتَنْفَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيهَةٍ. وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْفَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ.

﴿ثُمَّ سَارَ مَعَ جَيْشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ.

فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ.

﴿وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى

قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى

هُؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَظَمَةَ جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ،



فَاغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ
تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛ فَقَالُوا لَهُ:

إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛ فَيَخْرِبُونَ
بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ.
لِذَا قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍّ عَظِيمٍ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ
الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ.

بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَا الْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ:
عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السِّدِّ.
فَرِحَ النَّاسُ بِذَلِكَ كَثِيرًا.

أَمَرَهُمْ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ
أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا.
فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ.
وَ شَكَرَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.



خوشامد می‌گفتند	كَانَ ... يُرْحَبُونَ	خواند «أَتَلُو: می‌خوانم»	تَلَا	به پیشواز رفت (مصدر: اسْتَقْبَالَ)	اسْتَقْبَلَ
زشت و ناپسند	كْرِهَة	ارتش «جمع: جُيُوش»	جَيْش	استقرار یافت	اسْتَقَرَّ
جنگیدن	مُحَارَبَة	آهن	حَدِيد	شعله‌ور کرد	أَشْعَلَ
مرداب	مُسْتَنْقَع	ویران کرد	خَرَبَ	اصلاح کرد	أَصْلَحَ
تنگه	مَضِيق	ذوب شد	ذَابَ	پرووی کرد	أَطَاعَ
مس	نُحَاس	نپذیرفت	رَفَضَ	غنیمت شمرد	إِغْتَنَمَ
سمت	نَحْوَ	حرکت کرد، به راه افتاد	سَارَ	بستن	إِغْلَاقَ
به تاراج بُرد	نَهَبَ	زندگی کرد	سَكَنَ	ساختن، ساختمان	بِنَاءَ
رسیدن	وُصُول	حکومت می‌کرد	كَانَ ... يَحْكُمُ	رهایی یافت	تَخَلَّصَ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُونُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ.....
- ۲- سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ مَعَ جَيْشِهِ نَحْوَ الْجَنُوبِ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ.....
- ۳- قَبْلَ ذُو الْقَرْنَيْنِ الْهَدَايَا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا.....
- ۴- بَنَى ذُو الْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَ الْأَخْشَابِ.....
- ۵- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُتَمَدِّتَيْنِ.....

اعلموا

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از مشتقاتِ مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زد: زده شد می‌زند: زده می‌شود

دید: دیده شد می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.



در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

غَسَلَ: شُست ← غُسلٌ: شسته شد

خَلَقَ: آفرید ← خُلِقَ: آفریده شد

يَغْسِلُ: می‌شوید ← يُغْسَلُ: شسته می‌شود

يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يُخْلَقُ: آفریده می‌شود

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يُكْتَبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرِبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يُضْرَبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عُرِفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرَفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أُنْزِلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزَلُ: نازل می‌شود
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	اسْتُخْدِمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	يُسْتَخْدَمُ: به کار گرفته می‌شود

تفاوت فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا بیابید.

تَرَجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَدِيثَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ [الأعراف: ٢٠٤]



٢- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ﴾ [الرحمن: ٤١]

٣- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ٢٨]

٤- ما عَمَّرَتِ ^١ الْبُلْدَانُ ^٢ بِمِثْلِ الْعَدْلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ^٣ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- إِنَّ أَوَّلَ مَا يُجَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ، الصَّلَاةُ؛ فَإِنْ قُبِلَتْ، قُبِلَ مَا سِوَاهَا. ^٢ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حوار
(مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقبالِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْئُولُ الْإِسْتِقبالِ
رَجَاءً، أَعْطِنِي ^٢ مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	ما هُوَ رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟
مِئَتَانِ وَ عِشْرُونَ.	تَفْضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	أَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتَكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لا بَأْسَ، يا حَبِيبِي.	مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛
ما هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ ^٣ ؟	ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ ^٤ الْفَطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفَطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ ما هُوَ طَعَامُ الْفَطُورِ؟	شايٌّ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ ^٥ وَ زُبْدَةٌ ^٦ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبَّى الْمِشْمِشِ.
وَ ما هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ ^٧ .
وَ ما هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ ^٨ بَادِنِجَانٍ.
أَشْكُرُكَ.	لا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.



١- مَسْئُولُ الْإِسْتِقبالِ: مسئول پذیرش ٢- أَعْطِنِي: به من بده ٣- دَوَامٌ: ساعت کار ٤- مَوَاعِدٌ: وقت‌ها
٥- جُبْنَةٌ: پنیر ٦- زُبْدَةٌ: کره ٧- دَجَاجٌ: مرغ ٨- مَرَقٌ: خورشت

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بِمَعْنَى الذَّهَابِ نَحْوَ الضَّيْفِ وَ إِظْهَارِ الْفَرَحِ بِهِ.
.....
- ٢- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنْ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
.....
- ٣- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا.
.....
- ٤- فِلَرْ يُسْتَخْدَمُ فِي صِنَاعَةِ الْكَهْرَبَاءِ.
.....
- ٥- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ.
.....

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذَابَ / تَخَلَّصَ / مُحَارَبَةٍ / أَصْلَحَ / كَرِيهَةً / مُفْسِدُونَ / رَفَضَ / أَسْكُنُ

- ١- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
الأُنْعَامُ: ٥٤
- ٢- ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ فِي الْأَرْضِ﴾ الْكَهْفُ: ٩٤
- ٣- ﴿وَيَا آدَمُ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ الْأَعْرَافُ: ١٩
- ٤- ذَهَبَ جَيْشُنَا الْقُوِّي لـ أَعْدَائِنَا.
- ٥- وَصَلَ ذَوَالْقَرْنَينِ إِلَى مُسْتَنْقَعَاتِ مِيَاهِهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَقْبِلُ»: اسْتَقْبَلَ قَبَلَ أَقْبَلَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «فَرَّقَ»: يَتَفَرَّقُ يَفْتَرِقُ يُفَرِّقُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «أَغْلَقَ»: انْغِلَاقٌ إِغْلَاقٌ تَغْلِيْقٌ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَعَلَّمُوا»: عَلِّمُوا أَعْلِمُوا اِعْلَمُوا
- ٥- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: يُشَرِّفُ يُضْرِبُ يُحَاسِبُ
- ٦- الْمَجْهُولُ مِنْ يُخْرِجُ: أُخْرِجَ يَخْرُجُ يُخْرِجُ
- ٧- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: رَفَضَ قَرَبَ دُكِرَ



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا﴾^١ الْحَجَّ: ٧٣

٢- ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ الزُّمَرُ: ١١

٣- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةُ: ١٨٥

٤- تُغَسَّلُ مَلَابِسُ الرِّيَاضَةِ قَبْلَ بَدَايَةِ الْمُسَابَقَاتِ.

٥- يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

١- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مَغْسَى رَا نَخَوَاهِنْدَ آفَرِيدِ. ٢- مُخْلِصًا: دَر حَالِي كِه خَالِصَ گَرْدَانِيدِهَام.

عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها خوب بهتر از خودشان باشند؛

۲- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾

و از خودتان دیگران عیب نگیرید، و به همدیگر لقب لقب‌های زشت ندهید؛

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید. از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید. ؛

۴- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

زیرا برخی گمان‌ها گناه زشت است، و جاسوسی نکنید؛ و نباید غیبت دیگران همدیگر کنید؛

۵- ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾

آیا کسی از شما می‌خواهد دوست می‌دارد که گوشت برادرش را که مرده‌است بخورد بگند ؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.

الْحُجُرَات: ۱۱ و ۱۲

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

اِبْحَثْ عَن آيَةٍ اَوْ حَدِيثٍ اَوْ شِعْرٍ اَوْ كَلَامٍ جَمِيْلٍ مُرْتَبِطٍ بِالنَّعْمِ الْاِلَهِيَّةِ.



﴿ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ﴾ التَّمْل: ٤٠



الدَّرْسُ السَّابِعُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
تو کسی هستی که بزرگی ات در آسمان و توانمندی ات در زمین و
شگفتی هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعاً عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ

أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامدٌ: لا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِداً.

الأبُّ: يا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيباً، لِأَنَّ الدُّلْفَيْنِ صَدِيقَ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

صَادِقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأبُّ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ

يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْتَةِ الَّتِي

تُرْضِعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأبُّ: بَلَى؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ

أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: تُؤَدِّي الدَّلَّافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ

الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبَ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ

تَجْمَعُ الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟
الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَأَنَّهَا تُغْنِي كَالطُّيُورِ،
وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظْرُهَا
عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنْوْفِهَا
الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتِرِنْتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا
إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً
إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ
مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِرُ قُرْبِي فِي
الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ

مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ:

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،

وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،

وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

أَدَى	ایفا کرد، منجر شد	تَجَمَّعَ	جمع شد	ضِعْف	برابر «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»
أَرْشَدَ	راهنمایی کرد	تَيَّار	جریان	طَيُور	پرنندگان «مفرد: طَيْر»
أَرْضَعَ	شیر داد	جَمَاعِي	گروهی	عَرَفَ	معرفی کرد
أَعْلَى	بالا، بالاتر	حَادَ	تیز	عَزَمَ	تصمیم گرفت
أَنْفَقَ	انفاق کرد	دَلَّافِينَ	دلفین‌ها	عَتَى	آواز خواند
أَنُوفَ	بینی‌ها «مفرد: أَنْف»	دَوْر	نقش	قَفَّرَ	پرید، جهش کرد
أَوْصَلَ	رسانید	ذَاكِرَة	حافظه	لَبَوْنَة	پستاندار
بِحَار	دریاها «مفرد: بَحْر»	رَائِع	جالب	كَذَلِكَ	همین‌طور
بَكَى	گریه کرد	سَمَكُ الْقُرْشِ	کوسه ماهی	مُنْقَذ	نجات‌دهنده
بَلَغَ	رسید	شَاطِئُ	ساحل «جمع: شَوَاطِئُ»	مَوْسُوعَة	دانشنامه
بَلَى	آری	صَفَرَ	سوت زد		



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلْفَيْنُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضُّ صِغَارَهَا.
- ۲- يُودِّي سَمَكُ الْقُرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعُ الْإِنْسَانِ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقُرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقُرْشِ عَدُوُّ الدَّلَّافِينَ.
- ۶- لِلدَّلَّافِينَ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ.

إِعْلَمُوا

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

در زبان فارسی به حروفی مانند «به، برای، بر، در، از» حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. مثال: مِنْ قَرِيْبَةٍ ، فِي الْغَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِيْنَ ، عَلَى الْوَالِدِيْنَ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ

به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو اینها «جار و مجرور» می‌گویند.

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ

از مِنْ

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّوْنَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان : ۲۱

دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

در فِي

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَة : ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

الْتَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى (إِلَى) به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء: ١
پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ ۚ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُمْ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرُوا إِلَىٰ طَعَامِكُمْ
وَشَرَابِكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر.»
كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد.

عَلَى (عَلَى) بر ، روی ، به زیان

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید؛ زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.
الذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام
روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.
الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. كيف روی میز است.

بِـ به وسیله ، در

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَق: ۳ و ۴
بخوان و پروردگارت گرامی ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آل عمران: ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

۱- كَمْ لَبِثْتُمْ؟ چقدر درنگ کرده ای؟ منظور این است که «چه مدتی در اینجا به سر برده ای؟».

۲- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

لِـ برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون: ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لَأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را

فراموش کردم.

عَنْ ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ ...﴾ الشورى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ...﴾ البقرة: ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

گ مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خود است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُملَوَّةِ.

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

۲- ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ...﴾ العنكبوت: ۲۰

۱- دین: دینی (دین من)

نونُ الْوَقَايَةِ

در متن درس، کلماتِ «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» را مشاهده کردید. وقتی که فعلی به ضمیر «ي» متصل می‌شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود.

مثال: يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد. إِزْفَعُنِي: مرا بالا ببرد.
أَخَذَنِي: مرا بُرد. يُحَيِّرُنِي: مرا حیران می‌کند.

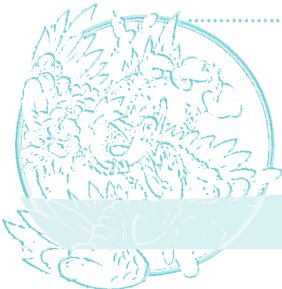
اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم: ٤٠

۲- اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَعَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي شُكُورًا، وَاجْعَلْنِي صَبُورًا، وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَفِي
أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ





در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (مَعَ مُشْرِفٍ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْعُرْفِ ^٢ وَالْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟	السَّيِّدُ دِمَشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ عُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟
لَيْسَتْ الْعُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	أَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتَرْحْ؛ سَأَتَّصِلُ ^٣ بِالْمُشْرِفِ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفَ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ ^٤ .	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ	السَّائِحُ
مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!	لَيْسَتْ عُرْفَتِي وَ عُرْفُ زُمْلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
سَيَأْتِي عُمَّالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟	فِي الْعُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ ^٥ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشْفٌ ^٦ نَاقِصٌ، وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ.
نَعْتَدِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ ^٧ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.	تَسَلَّمَ عَيْنُكَ! ^٨



- ١- مُشْرِفٌ: مدير داخلي ٢- تَنْظِيفٌ: پاکیزگی ٣- اتَّصَلْتُ: تماس می‌گیرم ٤- صِيَانَةٌ: تعمیرات ٥- سَرِيرٌ: تخت
٦- شَرَشْفٌ: ملافه ٧- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنیم ٨- تَسَلَّمَ عَيْنُكَ: چشمت سالم باشد

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.  

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظُّلَمِ.....
- ٢- الطَّاووسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعْيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.....
- ٣- الْمَوْسِعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.....
- ٤- الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبِحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ.....
- ٥- الْأَنْفُ عَضُو التَّنْفُسِ وَ الشَّمِّ^١.....
- ٦- الْخُفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.....

التَّمرينُ الثَّاني: صَعِّ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أَنُوفٌ / دَوْرٌ / قَفَزٌ / بَلَّغْنَا / أَسْرَى / أَسَاوِرٌ / الذَّاكِرَةُ / تَيَّارٌ

- ١- اسْتَرَى أَبِي لِأَخْتِي الصَّغِيرَةِ..... مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ..... هُ بِمَهَارَةٍ بِالْعَةِ.
- ٣- قَالَ الطُّلَّابُ:..... السَّنَةُ السَّادِسَةُ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيَا حُ شَدِيدَةً وَ حَدَثَ..... فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طَرُقِ تَقْوِيَةٍ.....؛ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النُّسْيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جِدًّا..... مِنْ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّالِثِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِينَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَ الْمَجْرُورِ.

١- ﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّمَل: ١٩

٢- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ١٤٧

٣- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ تَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَاحِل	بَعُدَ	ضَوْء	أَقَلَّ	كِبَار	بَكَى	أَرْسَلَ	شَاطِئ	صِغَار	بَعَثَ
سَتَرَ	إِسْتَلَمَ	كَنَمَ	فَجَاءَ	دَفَعَ	قَرَّبَ	بَغَتَهُ	أَكْثَرَ	ظَلَام	صَحِكَ

..... = =

..... = =

..... ≠ ≠

..... ≠ ≠

..... ≠ ≠



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغُنَ / صِغَارُ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / عَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورٌ / حَادَّةٌ /
 دَوْرٌ / لَبَوْنَةٌ / كَذَلِكِ / جَمَارِكُ / زُبُوتٌ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٌ / ثُلُوجٌ / سِوَارٌ / رَائِحٌ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کوچک‌ها	(۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	این‌طور	(۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تیز	(۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پدیده	(۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	(۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغن‌ها	(۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	(۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	(۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	(۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات‌دهنده	(۱۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	(۱۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	(۱۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	(۱۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برف‌ها	(۱۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	(۱۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	(۱۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	(۱۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	(۱۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	(۱۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	(۲۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می‌رسند	(۲۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ترانه خواندید	(۲۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	(۲۳)



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«.....»

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ التَّبَأُ: ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- تُرَابٍ: خَاكٍ

عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةٌ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

۱- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْجِئَنِي بِالصَّالِحِينَ...﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده؛

۲- ﴿وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ...﴾

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار بده؛

۳- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۴- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ الشُّعْرَاءُ: ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۳

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند؛

۵- ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۴۸

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۶- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگوئید،

بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ آيَاتِ أَوْ أَحَادِيثِ أَوْ أَمْثَالٍ لَهَا مُعَادِلٌ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، كَالْأَمْثَلَةِ التَّالِيَةِ.

﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (البقرة: ١١٠)

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست (سعدی شیرازی)

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾ (الشورى: ٤٠)

بلی صامت سزای جنگ، جنگ است گلوخ انداز را پاداش سنگ است (صامت بروجردی)

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران: ١٥٩)

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر بند (مولوی)





الدَّرْسُ الثَّامِنُ



قال رسول الله ﷺ :

جَمالُ المَرْءِ فَصاحَةُ لِسانِهِ.
زيبايي آدمي شيوايي گفتارش است.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ^١ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَعَنَهُ الْقُرْآنُ وَالْأَحَادِيثُ وَالْأَدْعِيَةَ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ آيَاتًا مَمزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ^٢؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَّالُ الدِّينِ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانَ الْعَجِيبِ

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَه
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَه^٣؟
مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَه
فِي بَعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَه
وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَه
حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَه^٤

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
گفتم ملامت آید گر گرد دوست کردم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین



١ و ٢- تلمیع: درخشان کردن، مُلَمَّع: درخشان (گونه‌ای شعر که بخشی به فارسی و بخشی به زبانی دیگر است. این آرایه را تلمیع می‌گویند).

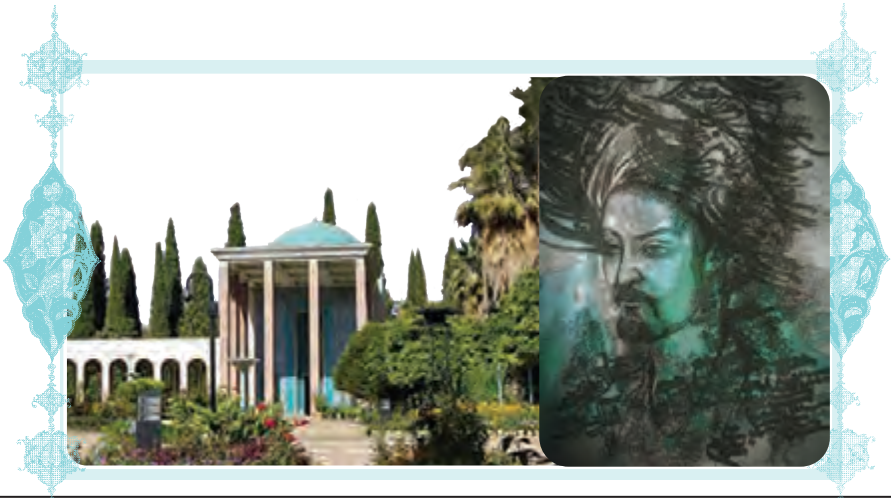
٣- آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟

٤- حافظ همانند خواستاری آمد که جان شیرین بدهد و جامی بستاند، تا از آن جامی از کرامت بچشد.

مُلَمَّعُ سَعْدِي الشِّيرَازِي

تو قدرِ آبِ چه دانی که در کنارِ فُرَاتی
وَ إِن هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عَدَاتِي
مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي
اگر گلی به حقیقت عَجِينِ آبِ حیاتِ
وَ قَدْ نَفَقْتُشْ عَيْنَ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ
جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی
وَ جَدَّتْ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنَّ سَمَمْتَ رِفَاتِي^۱
محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی
که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی
أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عَدَاتِي
وَ إِن شَكُوتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ^۲

سَلِ الْمَصْنَعِ رَكْبَاتِهِمْ فِي الْفَلَوَاتِ^۱
شیم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
اگر چه دیر بماندم امید بر نگر فتم
من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
فَكَمْ تُمْرَرُ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ
نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را
وَ صَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو
ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن
فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد



- ۱- از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس. مصانع آبگیرهایی بودند که مزه گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.
- ۲- اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.
- ۳- و اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه‌ها شیون کنند.

آزموده	مُجَرَّب	پرس (اسأل)	سَل	آینده، درحال آمدن	آتِ، آتٍ
ستایش‌ها	مَحَامِد	خواست	شَاءَ	کمک خواست	اسْتَعَاثَ
تلخ کرد	مَرَّرَ	شکایت کردم «إِنْ شَكَّوْتُ: اگر شکایت کنم»	شَكَّوْتُ	نو (برای نخستین بار)	بَدِيع
آب انبارهای بیابان	مَصَانِع	بویید «سَمَمْتُ: بوییدی»	سَمَّم	دوری	بُعْد
با نمک	مَلِيح	خمیر	عَجِين	آزمایش کرد	جَرَّبَ
درآمیخته	مَمزُوج	دشمنان «مفرد: عادي»	عُدَاة	فرود آمد	حَلَّ
شیون کردند ← نَاح	نُحِنَ	آغاز شب	عَشِيَّة	چشید	ذَاقَ
عشق	وُدَّ	آغاز روز	غَدَاة	نزدیک شد	دَنَا
وصف کرد	وَصَفَ	بیابان‌ها «مفرد: فَلَاة»	فَلَوَات	امید داشت	رَجَا
لانه‌ها «مفرد: وُكْنَة»	وُكْنَات	گاهی جست‌وجو می‌شود	قَدْ تُفْتَشُ	راضی شد	رَضِيَ
تشنه و سرگردان شد	هَامَ	نزدیکی	قُرْبَ	استخوان پوسیده	رُفَات
جدایی گزید، جدا شد	هَجَرَ	جام، لیوان	كَأْس	کاروان شتر یا اسب سواران	رَكْبَ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِيٌّ مُلَمَّعَاتٍ جَمِيلَةً.
- ۲- يَرِي حَافِظُ الدَّهْرَ مِنْ هَجْرٍ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ.
- ۳- يَرِي حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا.
- ۴- يَرِي سَعْدِيٌّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجْرٍ حَبِيبِهِ.
- ۵- قَالَ سَعْدِيٌّ: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي.»

إِعْلَمُوا

إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

در دستور زبان فارسی به اسم فاعل، صفت فاعلی و به اسم مفعول، صفت مفعولی می‌گویند.

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در سال گذشته با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صَانِعٍ	سازنده	مَصْنُوعٍ	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِقٍ	آفریننده	مَخْلُوقٍ	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِدٍ	پرستنده	مَعْبُودٍ	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِدٍ	بیننده	مُشَاهَدٍ	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّدٍ	تقلید کننده	مُقَلَّدٍ	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِلٍ	فرستنده	مُرْسَلٍ	فرستاده شده
يَنْتَظِرُ	مُنْتَظِرٍ	انتظار کشنده	مُنْتَظَرٍ	مورد انتظار
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّمٍ	یادگیرنده	مُتَعَلَّمٍ	یاد گرفته شده
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِجٍ	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَجٍ	بیرون آورده شده
يَتَهَاجِمُ	مُتَهَاجِمٍ	حمله کننده	—	—
يَنْكَسِرُ	مُنْكَسِرٍ	شکونده	—	—

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

گروه اول: فعل‌هایی بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن فاعِل و مَفْعول بود.

گروه دوم: فعل‌هایی است که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «م» شروع می‌شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل : مُ ... — ...) ، (اسم مفعول : مُ ... — ...)



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	التَّرْجَمَةُ	الكَلِمَةُ
○	○	يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد مُعَلِّم
○	○	يَعَلِّمُ : می‌داند عَالِم
○	○	اِقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد مُقْتَرِح
○	○	يُجَهِّزُ : آماده می‌کند مُجَهِّز
○	○	ضَرَبَ : زد مَضْرُوب
○	○	يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد مُتَعَلِّم

يا صَانِعِ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رَازِقِ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

من دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

اسم مبالغه بر بسياري صفت يا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» است؛ مانند:



الْعَلَمَةُ الطَّبَّائِيُّ

عَلَمَةٌ (بسیار دانا)؛ فَهَامَةٌ (بسیار فهمیده)؛

صَبَّارٌ (بسیار بُردبار)؛

غَفَّارٌ (بسیار آمرزنده)؛ كَذَّابٌ (بسیار دروغگو)؛

رَزَّاقٌ (بسیار روزی دهنده)؛ خَلَّاقٌ (بسیار آفریننده)



گاهی وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» بر اسم شغل دلالت می کند؛ مانند:

خَبَّازٌ (نانوا)؛ حَدَّادٌ (آهنگر)

گاهی نیز بر اسم ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند:

فَتَّاحَةٌ (در بازکن)؛ نَظَّارَةٌ (عینک)؛ سَيَّارَةٌ (خودرو)؛

ثَلَّاجَةٌ (یخچال)



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ.

﴿أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ﴾: ﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾:

﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾: ﴿سَاحِرٌ كَذَّابٌ﴾:

﴿حَمَالَةٌ الْخَطْبِ﴾: الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ:

﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾: أَلِهَاتِفُ الْجَوَالِ:

رَسَامُ الصُّوْرِ: فَتَّاحَةُ الرُّجَاجَةِ:

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جَوازٌ



(شراء شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

مُوظَّفُ الْإِتِّصَالَاتِ ^٢	الرَّائِزَةُ
تَفَضَّلِي، وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ ^٣ ؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي شَرِيحَةَ الْجَوَالِ.
تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ ^٤ جَوَالِكِ عَبْرَ الْإِنْتِرِنِتِ.	نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةً بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ رِيالاً.
تَشْتَرِي الرَّائِزَةَ شَرِيحَةَ الْجَوَالِ وَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ وَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَالِهَا وَ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصَلَ وَلَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، فَتَذْهَبُ عِنْدَ مُوظَّفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ:	
أَعْطِنِي الْبِطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سَامِحِينِي ^٥ ؛ أَنْتِ عَلَيِ الْحَقِّ ^٦ . أُبَدِّلُ ^٧ لَكَ الْبِطَاقَةَ.	عَفْواً، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالاً.



١- شَرِيحَةُ: سيم‌کارت ٢- اِتِّصَالَات: مخابرات ٣- شَّحْن: شارژ کردن ٤- رَصِيد: شارژ ٥- سَامِحِينِي: مرا ببخش

٦- أَنْتِ عَلَيِ الْحَقِّ: حق با توست ٧- أُبَدِّلُ: عوض می‌کنم

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.  

١- الْكَأْسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّيْءُ أَوْ الْقَهْوَةُ.

٢- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.

٣- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

٤- غُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ.

٥- يُصَنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

الْفَلَوَاتِ / بُعْدٍ / وُدٍّ / مَصَانِعٍ / بَدَلٍ / فَتَشَّ / اللَّيْلِ / يَرْضَى

١- الْغَدَاةُ بَدَايَةُ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بَدَايَةُ

٢- رَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَنْ عَبَرَ الطَّرِيقِ.

٣- رَجَاءٌ هَذَا الْقَمِيصَ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

٤- فِي لَا تَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.

٥- الشَّرْطِيُّ حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.

٦- أَخِي قَانِعٌ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ.

يا عَلَامَ الْغُيُوبِ: يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ:

يا عَقَّارَ الذُّنُوبِ: يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ:

يا سَامِعَ الدُّعَاءِ: يا غَافِرَ الْخَطَايَا:

يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

يا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ: يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

١- الرُّكْبُ ○ إِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.

٢- الْكِرَامَةُ ○ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.

٣- الْوَكْرُ ○ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.

٤- الْهَجْرُ ○ شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ.

٥- السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطَّيُورِ.

٦- الْمَلِيحُ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(اسْمُ الْفَاعِلِ).....

٢- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ).....

٣- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْمُضَافُ إِلَيْهِ).....

٤- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ).....

٥- كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ، وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(اسْمُ الْفَاعِلِ، وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ).....



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ التَّمَلُّ : ٦٥

٢- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



٤- ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

٥- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت ، و هنگامی که می بخشایند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

و کسانی که [خواستۀ] را برآوردند و برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾

و در میان آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

و از آنچه به روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾

و هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾

و سزای بدی، بدی است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾

پس درگذرد و اصلاح کند، پاداش او بر [عهدۀ] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

زیرا او ستمگران را الشوری: ۲۷ إلى ۴۰

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظْكُمْ اللهُ ؛
فِي أَمَانِ اللهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .



<https://konkur.info>

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
info

<https://konkur.info>